

بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک بانکی با تأکید بر نقش تعدیلی قدرت هیئت مدیره

مهیا قربانی گلپور

مدرس گروه حسابداری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
mghorbanigol@gmail.com

شماره ۳۹/بهار ۱۴۰۰ (جلد دوم) صص ۹۷-۱۱۵
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره چهارم)

چکیده

نتایج پژوهش‌های قبلی راجع به قدرت مدیرعامل و نقش‌های هیئت مدیره‌های اجرایی و تأثیرشان در ریسک‌پذیری بانکی و عملکرد مالی بسیار محدود و مبهم ابهام هستند. افزون بر این، هیئت مدیره قوی‌تر می‌تواند هزینه‌های ارتباطی و هماهنگی بیشتری را به مدیرعامل تحمیل کند. این پژوهش به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک بانکی‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش تعدیلی قدرت هیئت مدیره، طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷ با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه پرداخته است. داده‌های پژوهش حاضر از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و همچنین پیوست صورت‌های مالی ۱۷ بانک فعال در شبکه بانکی کشور گردآوری شده است. برای اندازه‌گیری ریسک بانکی از نوسانات بازده دارایی‌های و همچنین، برای سنجش قدرت مدیرعامل از دوره تصدی و تحصیلات مدیرعامل استفاده گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار استاتا نسخه ۱۴ بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که قدرت مدیرعامل (تحصیلات مدیرعامل و دوره تصدی مدیرعامل) بر ریسک بانکی تأثیر معناداری ندارد و همچنین قدرت هیئت مدیره (استقلال هیئت مدیره) تأثیری بر رابطه بین قدرت مدیرعامل (تحصیلات مدیرعامل و دوره تصدی مدیرعامل) و ریسک بانکی ندارد؛ به عبارت دیگر می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که مداخله استقلال قدرت هیئت مدیره (استقلال هیئت مدیره) بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ریسک بانکی نتوانسته تأثیری بر رابطه مذکور داشته باشد و این رابطه معنادار نشده است.

واژه‌های کلیدی: قدرت مدیرعامل، ریسک بانکی، قدرت هیئت مدیره.

مقدمه

بانک‌ها به دلایلی همچون نسبت بدهی بالا، نظم محدود بر بازار اعتباردهندگان (بازتابی از بیمه سپرده‌های بانکی و تضمین‌های خیلی بزرگ برای شکست) و توانایی افزایش سریع و همراه با ابهام درجه ریسکی بودن دارایی‌هایشان، در برابر مخاطره‌پذیری آسیب‌پذیر هستند. علاوه بر این؛ شکست‌های بانکی برای کسانی که مالیات پرداخت می‌کنند، گران تمام می‌شوند و آثار نامطلوبی را روی اقتصاد واقعی بجا می‌گذارند؛ بنابراین جای تعجبی ندارد که بحث‌های دانشگاهی و

قانون گذاری متعددی راجع به میزان تأثیر شکست های حاکمیت بر مخاطرات وارده به بانک ها صورت گرفته اند. به عنوان مثال، یک دیدگاه با درجه استقبال پذیری فراگیر و گسترده وجود دارد که آسیب پذیری بخش بانکداری در بحران آغاز شده در سال ۲۰۰۸، به دلیل انباشت ریسک های اضافی و شدید رخ داده است (برونرمیر، ۲۰۰۹، دی یونگ، ۲۰۱۰).

مطالعات قبلی نشان داده است که حاکمیت شرکتی بر ریسک پذیری تأثیر می گذارد. وقتی مدیرعامل قدرتمندتر باشد، تصمیمات با پیامدهای حداکثری رخ می دهد (آدامز، آلمیدا و فریرا، ۲۰۰۵). آدامز، آلمیدا و فریرا (۲۰۰۵) پیشنهاد کردند که احتمال تصمیمات بسیار خوب یا بسیار بد برای سازمانی که مدیرعامل، قدرت زیادی در تصمیم گیری دارد، بیشتر است. اگرچه برخی از مطالعات شواهد مخالف ارائه داده اند (آیزنهارت و بورژوا، ۱۹۸۸؛ دان، ۲۰۰۴؛ هان، ناندا و سیلوری، ۲۰۱۶؛ تینگ، چوئه و چانگ، ۲۰۱۷)، صرف نظر از هزینه های نمایندگی بین مدیرعامل و سهامداران، مدیرعامل قدرتمند توانایی تعیین موقعیت سازمانی برای ایجاد ثروت (پاپاداکیس، ۲۰۰۶) و حداکثر منافع سهامداران (کاتر، ۱۹۸۲؛ کوین، ۱۹۸۵) را دارد.

بسیاری از مطالعات تأثیر قدرت مدیر عامل بر ریسک را در بخش بانکی به اثبات رسانده اند. این مطالعه بررسی می کند که آیا قدرت مدیرعامل شرکت تأثیری بر ریسک بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد یا خیر. افزون بر این، تینگ، چوئه و چانگ (۲۰۱۷) اثر تعدیلی قدرت مدیرعامل را به عنوان نظارت خارجی بررسی کردند. اصولاً، هیئت مدیره داخلی باید نظارت مستقیم و موثرتری بر مدیران عامل بانک نسبت به مکانیسم نظارت خارجی داشته باشد. بدین جهت، در این پژوهش اثر قدرت هیئت مدیره به عنوان متغیر تعدیلی در نظر گرفته شده است.

تمرکز این پژوهش بر رابطه بین قدرت مدیرعامل با ریسک بانکی با وجود نقش تعدیلی قدرت هیئت مدیره است؛ به عبارت دیگر، این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته است که آیا قدرت هیئت مدیره تأثیر قدرت مدیرعامل را بر ریسک بانک تعدیل می کند یا خیر. هیئت مدیره قوی تر می تواند مدیرعامل را برای دستیابی به عملکرد بهتر تحت نظارت قرار دهد. از طرف دیگر، هیئت مدیره قوی تر می تواند در تصمیم گیری مدیرعامل برای جلوگیری از ریسک پذیری مداخله کند (آدامز و فریرا، ۲۰۰۷؛ هرمالین و وایزباخ، ۱۹۹۸؛ وارتر، ۱۹۹۸؛ آلمان و سوارز، ۲۰۰۳). افزون بر این، هیئت مدیره قوی تر می تواند هزینه های ارتباطی و هماهنگی بیشتری را به مدیرعامل تحمیل کند و بنابراین تأثیر مثبت مدیرعامل بر عملکرد بانک را خدشه دار نماید.

سربوآستاو و هگندورف (۲۰۱۶) در یک نظرسنجی جدید از تحقیقات حاکمیت و ریسک، این پیشنهاد را مطرح کردند که حاکمیت متمرکز بر سهام دار، ریسک پذیری بانک را تشدید می کند. به باور آن ها مکانیزم هایی برای حفاظت از منافع سایر ذی نفعان مورد نیاز هستند. این پژوهش با اتکا به پژوهش های قبلی، این موضوع را بررسی نموده است که آیا ذی نفعان به حفاظت از ترجیحات مخاطره پذیری مدیرعامل های قدرتمند نیاز دارند یا خیر؟ به صورت دقیق تر، در این پژوهش بررسی شده که تأثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک بانکی بررسی گردد و همچنین بررسی گردد که این تعامل چگونه منجر به کاهش یا خنثی سازی اثر قدرت مدیرعامل بر ریسک بانکی می شود. آلتونیس، تورنتون و اویماز (۲۰۱۹) دریافتند که قدرت مدیرعامل دارای رابطه معناداری با افزایش ریسک پذیری بر اساس ابعاد مختلف ریسک پذیری بانکی است. شواهد کمی وجود دارند مبنی بر اینکه ویژگی های هیئت مدیره بانک منجر به کاهش این قدرت می شود.

ریسک در همه سازمان ها و مؤسسات وجود دارد که در صورت عدم مدیریت صحیح آن زبان های متعددی را وارد می سازد (براتی و لورستانی، ۱۳۹۵). در سال های اخیر صنعت بانکداری به دلیل تحولات جهانی با فرصت ها و چالش هایی روبرو بوده است. نظام مالی و بانکی با انواع مختلفی از ریسک ها مانند ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری ریسک بازار مواجه هستند که شناسایی و کنترل عوامل موثر بر روی ریسک بانکی به دلیل اثرگذاری آن ها بر ساختار مالی بانک ها، برای بخش مالی و

بانکی پراهمیت است. علت به وجود آمدن این ریسک‌ها از یک سو و افزایش رقابت در بین بانک‌ها، ورود غیر بانکی ایجاد فشار از سوی سهامداران و سپرده‌گذاران برای کسب بازدهی بیشتر و از طرف دیگر به دلیل تغییر مداوم در عوامل محیطی و دستگاه‌های اقتصادی می‌باشد. وجود این ریسک‌ها در عملیات بانکی توان درآمدزایی و سودهای بانکی را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی با آن‌ها برای اینکه بتوانند بقا و رشد داشته باشند، ناچار به پذیرش ریسک‌های کنترل شده هستند (علیرضایی، محقق‌نیا و دهقان دهنوی، ۱۳۹۷). تمامی مطالب ارائه شده در ادبیات پژوهش نشان از اهمیت و ضرورت بررسی ریسک‌های بانکی دارد. از بنابرین، اهمیت پژوهش حاضر را از چند جنبه می‌توان تبیین نمود. اول اینکه عدم مدیریت صحیح ریسک‌های بانکی زیان‌های جبران ناپذیری را می‌تواند به کل نظام اقتصادی وارد نماید، لذا بررسی ریسک‌های بانکی می‌تواند یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر برای انجام پژوهش‌های متعدد در این زمینه باشد. دوم اینکه قدرت مدیران عامل و دخالت هیئت مدیره یکی از موضوع‌های بسیار چالش برانگیزی است که نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. سوم اینکه انتظار می‌رود این پژوهش با غنا بخشیدن به ادبیات پژوهش و پیشینه پژوهش در زمینه موضوع حاضر بتواند زمینه‌ساز پژوهش‌های متعدد باشد. این مطالعه از جهات مختلفی به ادبیات پژوهش کمک می‌کند. در ابتدا، این مطالعه از چندین معیار برای سنجش قدرت مدیرعامل و برای بررسی تأثیر آن بر ریسک بانکی استفاده می‌کند. متون قبلی به‌طور دقیق‌تری در مورد چگونگی تأثیر ویژگی‌های خاص مدیرعامل بانک (آدامز، آلمیدا و فریرا، ۲۰۰۵، تینگ، ۲۰۱۳) یا جنبه‌های ساختار هیئت مدیره (پاتان، ۲۰۰۹، لیانگ، سو و جیراپورن، ۲۰۱۳) متمرکز شده‌اند. دوم، این مطالعه تعامل بین قدرت مدیرعامل و قدرت هیئت مدیره را در تعیین نتایج ریسک بانکی تجزیه و تحلیل نموده است. به این ترتیب می‌توان درک نمود که آیا تأثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک بانکی، تابع قدرت هیئت مدیره است یا خیر.

افزون بر این، نتایج این پژوهش مکمل چندین شاخه از تحقیقات بانکداری است. در وهله نخست، پژوهش‌های انجام گرفته راجع به عوامل تعیین‌کننده ریسک بانکی را غنا می‌بخشد (آلتونیس، تورنتون و اویماز، ۲۰۱۹؛ آلتونیس، منگلی و مارکز-یبازن، ۲۰۱۷). آلتونیس، تورنتون و اویماز (۲۰۱۹) نشان دادند که قدرت مدیرعامل یکی از محرک‌های اصلی ریسک‌پذیری بانک، بر پایه چندین شاخص سنجش ریسک است؛ بنابراین، دومین دستاورد این پژوهش مشارکت در بحث‌های موجود راجع به حاکمیت در بانکداری است. پژوهش آلتونیس، تورنتون و اویماز (۲۰۱۹) شواهدی مبنی بر اینکه هیئت مدیره‌های بانکی اقدامات کمی برای کاهش ریسک‌پذیری بانک‌ها در مواجهه با مدیران عامل‌های قدرتمند انجام می‌دهند. در وهله سوم این پژوهش، تحقیقات مربوط به قدرت مدیران عامل را تکمیل می‌نماید. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مدیرعاملان قدرتمند می‌توانند روی عملکرد مالی (آدامز، آلمیدا و فریرا، ۲۰۰۵)، شیوه‌های مدیریت سود (علی و ژانگ، ۲۰۱۵)، سیاست تقسیم سود (اونالی، گالیاخمتوا، مولینوکس و تورلوچیو، ۲۰۱۶)، خرید شرکت‌ها (مالمندر و تیت، ۲۰۰۸)، طراحی قراردادهای پاداش (مورس، نندا و سرو، ۲۰۱۱)، ترکیب اعضای هیئت مدیره (کومبز، کچن، پریمن و دوناهو، ۲۰۰۷) و احتمال مشارکت در تخلفات مالی (آلتونیس، تورنتون و اویماز، ۲۰۱۸) تأثیرگذار باشند. نتایج این پژوهش مطرح کننده این واقعیت هستند که مدیرعاملان قدرتمند، ریسک‌پذیری بیشتر توسط بانک‌ها را ترغیب می‌کنند (کالن و فانگ، ۲۰۱۳؛ آلتونیس، تورنتون و اویماز، ۲۰۱۹)؛ بنابراین پرسش‌هایی ذهن محقق را درگیر می‌کند که عبارت‌اند از: قدرت مدیرعامل بر ریسک بانکی چه تأثیری دارد؟ قدرت هیئت مدیره بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ریسک بانکی چه تأثیری دارد؟

ادبیات و پیشینه پژوهش ادبیات پژوهش

سیستم بانکداری و نقش حیاتی در رشد و اقتصاد هر کشور دارد. با توجه به تغییرات سریع محیطی، بانکها در انجام عملیات کسب و کار خود با انواع مختلف ریسک از قبیل ریسک اعتباری نقدینگی به بازار و ریسک نرخ بهره مواجه هستند. اداره کردن این ریسکها به شیوه‌ای کارآمد و یکپارچه برای حفظ سلامت مالی بانکها با اهمیت بوده و شکست در مدیریت چنین ریسک‌هایی تاثیر منفی بر ثبات مالی بانکها می‌گذارد و به در ماندگی و ورشکستگی بانکها منجر می‌شود (مجی، دی و جا، ۲۰۱۱). کل اقتصاد و جامعه از عملکرد نظام بانکی تأثیر می‌پذیرد و عملکرد نامطلوب نظام مالی می‌تواند تاثیر منفی بر روی تمامی بخش‌های اقتصادی و جامعه داشته باشد؛ بنابراین، هدف تامین منافع تمامی ذینفعان سبب می‌شود که به نقش حاکمیت شرکتی توجه ویژه‌ای شود (حساس یگانه، ۱۳۸۵). نتایج مطالعات گذشته نشان داده است که حاکمیت شرکتی بر ریسک‌پذیری بانک تأثیر می‌گذارد. هاگرنورف، کالینز و کیسی (۲۰۱۰) دریافتند که هیئت مدیره عملکرد مالی بانک را فقط تحت یک سیستم نظارت قوی بر بانک بهبود می‌بخشد. پنی، اسمیت و واهما (۲۰۱۳) دریافتند که بانک‌هایی که حاکمیت شرکتی بهتری دارند، ضرر وام کمتری دارند. پاتان (۲۰۰۹) دریافت که قدرت مدیرعامل بر روی ریسک‌پذیری بانک تأثیر منفی می‌گذارد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که بحران بانکی یکی از دلایل عمده بروز بحران‌های اقتصادی است و بانکها مانند هر بنگاه اقتصادی به صورت انفرادی یا گروهی با مشکل ورشکستگی مواجه می‌شوند؛ اما باید در نظر داشت که تاثیر ورشکستگی بانکها بسیار فراتر از ورشکستگی بانکها و بنگاه‌های تجاری است. با ورشکستگی بانکها از یک سو سهامداران سرمایه خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر سپرده‌گذاران پس‌اندازهای خود را در خطر می‌بینند. به طور معمول، این‌گونه بحرانها در بخش بانکی مشابه آنچه در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ در آمریکا رخ داد، با ظهور مشکل در یک یا چند بانک شروع می‌شود و با سرایت سریع آن به دیگر بانکها و تحت تاثیر قرار دادن بازارهای مالی، کل اقتصاد را نیز به سرعت تحت تاثیر قرار می‌دهد. بحران‌های بانکی با کاهش اعتماد به عملکرد نهادهای مالی داخلی همراه شده و سبب کاهش پس‌اندازهای داخلی و افزایش زیاد خروج سرمایه می‌شوند (احمدیان و گرجی، ۱۳۹۶). در نتیجه ریسک یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر سلامت نظام بانکی است (بارال، ۲۰۰۵).

پژوهش‌های قبلی راجع به قدرت مدیرعامل و نقش‌های هیئت مدیره‌های اجرایی و تاثیرشان در ریسک‌پذیری بانکی، بشدت محدود و ابهام آمیز هستند. نظریه نمایندگی اذعان می‌کند که مدیرعاملان دلایلی برای انتخاب دارایی‌هایی امن‌تر از دارایی‌های مورد ترجیح سهام‌داران دارند. علت این است که ثروت مدیرعامل شامل دارایی‌های مالی و مشهود و سرمایه انسانی متمرکز شده در شرکت‌های تحت مدیریت است. این در حالی است که سهام‌داران به ریسک فعالیت‌های خود در بازار سرمایه تنوع بخشی می‌دهند (پاتان، ۲۰۰۹، می، ۱۹۹۵). شواهد تجربی راجع به اثر مدیرعامل بر ریسک بانکی ضد و نقیض هستند. به عنوان مثال، پاتان (۲۰۰۹) گزارش داده است که مدیرعاملان قدرتمند در شرکت‌های هلدینگ بانکی آمریکا، قادرند تصمیمات هیئت مدیره را به گونه‌ای کنترل بکنند که ریسک‌پذیری کاهش یابد. ویکتورویچ، بوسلپ، سو و گراو (۲۰۱۱) گزارش دادند که مدیرعاملان قدرتمند در خلال کنترل جریان سرمایه سهامی مدیرعامل، ریسک‌پذیری در بانک‌های آمریکایی را کاهش می‌دهند. به اعتقاد آن‌ها، مدیرعاملان روی تصمیم‌گیری هیئت مدیره تاثیرگذار هستند و ریسک را کاهش می‌دهند. از سوی دیگر، لولین و مولرکال (۲۰۱۲) دریافتند که مدیرعاملان قدرتمند در رویه‌های وام‌دهی بشدت مخاطره آمیز نقش دارند. آن‌ها نمونه‌ای زوجی- تطبیقی از شرکت‌های آمریکایی را بررسی نموده‌اند که نیمی از آن‌ها در وام‌دهی غیربهبینه / با

اعتبار مالی کم برای مشتریان نقش دارند. آدامز، آمیدا و فریرا (۲۰۰۵) نشان دادند که شرکت‌هایی با مدیرعاملان قدرتمندتر سیاست‌هایی را دنبال می‌کنند که نتایج مخاطره آمیزتری در پی دارند. تلقی آن‌ها این است که مدیرعاملان قدرتمند روی تصمیمات هیئت مدیره برای در پیش‌گیری سیاست‌های مخاطره آمیز تاثیرگذار هستند.

هیئت مدیره به منزله سنگ محک چهارچوب حاکمیت داخلی تلقی می‌شود (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). هیئت مدیره وضعیت مدیران اجرایی از نظر اثر سیاست‌ها بر ریسک را مورد نظارت قرار می‌دهد. البته باید خاطر نشان کرد که تحقیقات تجربی راجع به اثر ویژگی هیئت مدیره بر ریسک‌پذیری بانکی، هنوز در اوایل راه قرار دارند (سریواستاو و هگندورف، ۲۰۱۶). پاتان (۲۰۰۹) گزارش داده است که هیئت مدیره‌های کوچک‌تر، ریسک‌پذیری بانک را افزایش می‌دهند، اما هیئت مدیره‌هایی با درصد بالاتری از مدیران مستقل، سیاست‌های غیرمخاطره آمیزتری را دنبال می‌کنند. آخیگبه و مارتین (۲۰۰۶) نشان دادند که شرکت‌هایی با هیئت مدیره مستقل، در بلندمدت شاهد کاهش نوسان سهامشان هستند. ارکنز، هانگ و ماتوس (۲۰۱۲) دریافته‌اند که در بازه بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۱۰ در نمونه‌ای از بانک‌های بین‌المللی بزرگ، استقلال هیئت مدیره هیچ‌گونه تاثیری روی ریسک بانکی بجا نگذاشته است. در نهایت بلتراتی و استولز (۲۰۱۲) نشان دادند بانک‌هایی با هیئت مدیره سهام‌دار پسند، بر اساس برخی معیارهای ریسک‌پذیری، ریسک‌پذیری بیشتری را دارا هستند.

پیشینه پژوهش

برادران حسن‌زاده و صولتی خسروشاهی (۱۳۹۸) با بررسی تاثیر سپر سرمایه بر ارتباط بین ریسک نقدینگی و ریسک‌پذیری بازار و دفتری بانک‌ها نشان می‌دهند متغیر تعاملی سپر سرمایه و ریسک نقدینگی با ریسک‌پذیری دفتری بانک ارتباط معکوس و معناداری دارد ولی نتایج پژوهش در مورد تأثیر سپر سرمایه بر ارتباط با ریسک نقدینگی و ریسک‌پذیری بازاری بانک تنها در مورد معیار کل سپرده‌ها به کل دارایی‌ها (معیار معکوس ریسک نقدینگی) تأیید شده است. اسدی و بختیاران (۱۳۹۸) به بررسی تعامل راهبردی در ریسک نقدینگی در بانک‌های ایران پرداختند. شواهد نشان می‌دهد بانک‌های کوچک‌تر تحت تأثیر بانک‌های بزرگ‌تر قرار گرفته‌اند و ضریب همبستگی نفوذ همتایان نسبت به ضریب همبستگی سایر عوامل بیشتر است و به نظر می‌رسد یادگیری و شرایط بحران در آن سال‌ها محرک نفوذ همتایان در ریسک تأمین نقدینگی بانک‌هاست. دریائی و سیفی (۱۳۹۸) به بررسی پاداش هیئت مدیره و ریسک‌پذیری با نقش تعدیلی دوگانگی مدیرعامل در صنعت بانکداری پرداختند. نتایج نشان داد رابطه منفی و معناداری بین پاداش نقدی هیئت مدیره و ریسک‌پذیری بانک وجود دارد و همچنین متغیر تعدیلی دوگانگی مدیرعامل رابطه مذکور در صنعت بانکداری را تحت تأثیر قرار نداد.

شواهد پژوهش آقای چادگانی و بخردی نسب (۱۳۹۷) حاکی از آن است که درآمدهای غیر بهره بر ریسک و قابلیت سودآوری تأثیر معناداری دارد. از دیگر نتایج پژوهش حاضر این است که توانایی تأثیرگذاری درآمد غیر بهره بر کاهش ریسک و افزایش قابلیت سودآوری در بانک‌های سالم مالی نسبت به بانک‌های در معرض خطر بیشتر است. توانگر حمزه کلایی و اسکافی اصل (۱۳۹۷) با بررسی ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی نشان دادند که از بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی با کنترل داخلی رابطه معناداری دارد و ویژگی‌های استقلال کمیته حسابرسی با متغیر وابسته رابطه معناداری ندارد و همچنین نتایج نشان می‌دهد که قدرت مدیرعامل تنها تأثیر تعدیل کننده بر ارتباط بین اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی دارد. علیرضایی، محقق‌نیا و دهقان دهنوی (۱۳۹۷) با بررسی تأثیر سهم درآمدهای غیرمشاع بر ریسک بانک‌های ایران نشان می‌دهند که افزایش سهم

درآمدهای غیرمشاع از کل درآمد علاوه بر کاهش ریسک کلی بانک‌ها به افزایش ثبات و پایداری بانک‌ها منجر می‌شود و این تأثیرگذاری در دوران رونق اقتصادی بیشتر است. اخگر و زاهد دوست (۱۳۹۷) با بررسی تأثیر نفوذ مدیر عامل بر رابطه بین عملکرد شرکت و گردش مدیرعامل دریافتند که بازده دارایی‌ها و بازده سهام (معیارهای عملکرد شرکت) رابطه منفی با گردش مدیرعامل دارند. همچنین نفوذ مدیرعامل بر رابطه بین عملکرد شرکت و گردش مدیرعامل تأثیر معناداری ندارد.

رنجی، قلی‌زاده، رمضانپور و موسی‌نیا (۱۳۹۶) با تحلیل تأثیر ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بر ریسک درماندگی بانک‌های ایران دریافتند که ریسک اعتباری به لحاظ کیفیت تسهیلات و حجم تسهیلات به ترتیب تأثیر مثبت و منفی بر ریسک درماندگی بانک‌ها داشته و همچنین ریسک نقدینگی تأثیر مستقیمی بر ریسک درماندگی بانک‌ها دارد. پاکیزه و نوبخت (۱۳۹۵) با بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر ریسک‌پذیری بانک‌های تجاری خصوصی در ایران دریافتند تمرکز مالکیت سهامداران بر ریسک‌پذیری بانک‌های خصوصی تأثیر معکوسی دارد.

فانگ، لی، چانگ، لی و وانگ (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل و قدرت هیئت مدیره بر عملکرد بانک در چین پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که قدرت ساختاری مدیرعامل شرکت سودآوری کلی بانک، توانایی ریسک‌پذیری و کیفیت وام‌دهی را به طور قابل توجهی بهبود می‌بخشد، قدرت مالکیت مدیرعامل به طور قابل توجهی کیفیت وام‌دهی یک بانک را بالا می‌برد و قدرت تخصص مدیرعامل به طور قابل توجهی سود کل و سود سهام یک بانک را افزایش می‌دهد. با توجه به درون زایی، قدرت اعتبار مدیرعامل باعث افزایش چشمگیر سودآوری کلی بانک می‌شود. در مرحله بعد، از نسبت مدیران مستقل به عنوان معیار قدرت هیئت مدیره استفاده شده است و نتایج نشان می‌دهد هیئت مدیره قوی‌تر اثرات سودمند قدرت ساختاری مدیرعامل را بر کیفیت وام‌دهی قدرت مالکیت مدیرعامل بر سودآوری سهامداران و قدرت تخصص مدیرعامل در کیفیت وام کاهش می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که تأثیر تعدیلی مضر زمانی که از نسبت سرمایه‌گذاران خارجی و اندازه هیئت مدیره به عنوان معیاری از قدرت هیئت مدیره استفاده شده باشد نمایان می‌گردد. المامون، بالاچاندان و دوونگ (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که مدیران عامل با ریسک سقوط بالاتری همراه هستند. ارتباط مثبتی بین قدرت مدیرعامل و ریسک سقوط در زمان کنترل مدیریت سود، اجتناب از مالیات، گزینه‌های انگیزه پاداش مدیرعامل و بیش اطمینانی مدیرعامل وجود دارد. شرکت‌هایی که با مدیرعامل قوی همراه باشند، با چنین شرایطی روبرو هستند: احتمال صدور مجدد صورت‌های مالی‌شان بیشتر است، نسبت پیش‌بینی سود منفی به مثبتشان کمتر است، نسبت کلمات منفی به مثبتشان در صورت‌های مالی ضعیف‌تر است. رابطه بین مدیرعاملان قدرتمند و ریسک بالاتر فروپاشی مالی، عمدتاً در شرکت‌هایی با حساسیت بالاتر ثروت مدیرعامل به قیمت‌های سهام و در مواقعی که مهارت‌های عمومی مدیرعاملان کمتر است به چشم می‌آید. مکانیزم‌های نظارت خارجی منجر به تضعیف رابطه بین مدیرعاملان بنیان‌گذار قوی و ریسک بالاتر فروپاشی مالی می‌شوند، اما این رابطه را از بین نمی‌برند.

آلتونبس، تورتون و اویماز (۲۰۱۹) به بررسی نقش تعدیلی مالکیت نهادی و هیئت مدیره بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ریسک بانکی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد در صورتی که بانک‌ها مدیرعاملانی قدرتمند و ترازنامه‌های نسبتاً ضعیف داشته باشند، احتمال ریسک‌پذیری‌شان بیشتر است. شواهد کمی وجود دارند برای تأیید اینکه اندازه و استقلال هیئت مدیره، اثر تضعیف‌کننده‌ای را روی اینکه اندازه و استقلال هیئت مدیره، اثر تضعیف‌کننده‌ای بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و ریسک بانکی دارد. شواهد دیگری هم وجود دارند مبنی بر اینکه سرمایه‌گذاران نهادی ترجیحات ریسک‌پذیری مدیرعاملان قدرتمند را افزایش می‌دهند. هوانگ، نگوین و لو (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه رفتار ریسک‌پذیری بانک و ترکیب هیئت مدیره در

شرکت در شرکت‌های ویتنامی پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد اعضای زن و اعضای مستقل هیئت مدیره موجب کاهش ریسک‌پذیری بانک می‌شوند. در حالی که سن اعضا رابطه مثبت با ریسک‌پذیری دارد. همچنین آن‌ها دریافتند که اندازه بانک و سهامدار خارجی عوامل تعیین‌کننده در رفتار ریسک‌پذیری بانک‌های ویتنام دارند. دلاریچیا، لاون و سوارز (۲۰۱۷) به بررسی اهرم مالی و سیاست‌های پولی در ریسک‌پذیری بانک‌های ایالات متحده پرداختند. نتایج نشان می‌دهد ریسک‌پذیری پیش‌بینی شده بانک‌ها با افزایش نرخ بهره کوتاه‌مدت، رابطه منفی و معناداری دارد. این رابطه در بخش‌هایی که هماهنگی کمتری با چرخه تجارت جهانی دارند، واضح‌تر است.

هانگونر و مورلک (۲۰۱۷) در پژوهشی به عنوان سرمایه بانک، ذخایر نقدی و ریسک درماندگی مدلی را به منظور ارزیابی تأثیرات الزامات نقدینگی و اهرم بر تصمیمات مالی و ریسک درماندگی بررسی کردند. یکی از نتایج آن‌ها این بود که وضع الزامات نقدینگی به کاهش زیان بانک‌ها در نکول منجر شده، همچنین ترکیب نقدینگی و اهرم مالی مورد نیاز احتمال نکول و میزان زیان ناشی از نکول را کاهش می‌دهد. ماگسون و انارسون (۲۰۱۷) با بررسی تأثیر نفوذ مدیرعامل بر رابطه بین عملکرد شرکت و گردش مدیرعامل دریافتند که عملکرد ضعیف شرکت باعث جایگزینی مدیرعامل شرکت می‌شود. همچنین نفوذ مدیرعامل شرکت تأثیر مثبتی بر رابطه بین عملکرد شرکت و گردش مدیرعامل دارد. لیسبیچ، نیل، ژانگ و ژانگ (۲۰۱۶) نشان دادند زمانی که قدرت مدیرعامل پایین است ویژگی‌های اعضای کمیته حسابرسی شامل استقلال و تخصص مالی تخصص مالی رابطه معکوسی با ضعف‌های سیستم کنترل داخلی دارند. در مقابل زمانی قدرت مدیرعامل افزایش می‌یابد، رابطه منفی بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ضعف در سیستم کنترل داخلی طولانی‌تر می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع هدف جزء پژوهش‌های کاربردی است. این پژوهش یک پژوهش تحلیلی از نوع نیمه تجربی است که در آن متغیرهای مورد بررسی از طریق رگرسیون خطی چندگانه بین آن‌ها اندازه‌گیری و تعیین می‌گردد؛ بنابراین این پژوهش یک پژوهش از نوع بررسی پس رویدادی است و از لحاظ نوع داده‌ها کمی بوده و از لحاظ نحوه استدلال، یک پژوهش استقرایی محسوب می‌گردد؛ بنابراین این پژوهش جزء پژوهش‌های اثباتی حسابداری طبقه‌بندی می‌گردد. جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش شامل بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که طی بازه زمانی سال ۱۳۹۱ تا پایان سال ۱۳۹۷ را در بر می‌گیرد. بانک‌های مورد مطالعه شامل ۱۷ بانک از جمله انصار، پست بانک، صادرات ایران، تجارت، ملت، گردشگری، قوامین، ایران زمین، کارآفرین، پارسیان، اقتصاد نوین، سامان، پاسارگاد، سینا، دی، حکمت ایرانیان و سرمایه می-باشد. صورت‌های مالی نمونه مورد بررسی از پایگاه اطلاعاتی کدال و نرم افزار ره‌آورد نوین استخراج شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزارهای اکسل و استاتا ۱۴ استفاده شده است.

روش‌شناسی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش با توجه به ادبیات و مبانی نظری پژوهش به شرح زیر می‌باشد:
فرضیه اول: تحویلات مدیرعامل بر ریسک بانکی تأثیر معناداری دارد.
فرضیه دوم: دوره تصدی مدیرعامل بر ریسک بانکی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: استقلال هیئت مدیره نقش تعدیلی بر رابطه بین تحصیلات مدیرعامل و ریسک بانکی دارد.
فرضیه چهارم: استقلال هیئت مدیره نقش تعدیلی بر رابطه بین دوره تصدی مدیرعامل و ریسک بانکی دارد.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

معیارهای سنجش قدرت مدیرعامل

برخی پژوهش‌ها با بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل (اندازه‌گیری شده توسط دوره تصدی یا چرخش مدیرعامل) بر عملکرد بانک به نتایج قابل توجهی دست یافته‌اند (شن و کانال، ۲۰۰۲؛ هوسون، مالیتستا و پارینو، ۲۰۰۴؛ تینگ، چوئه و چانگ، ۲۰۱۷). از دیگر معیارهای اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل، اعتبار است که در پژوهش‌های بسیاری از سطح تحصیلات مدیرعامل برای سنجش آن استفاده شده است. برخی مطالعات نتایج متناقضی را در مورد تأثیر اعتبار مدیرعامل بر عملکرد به همراه داشته‌اند. برخی مطالعات نشان داده است که مدیران عامل بانک‌های که دارای تحصیلات عالی هستند به سودآوری بالاتری می‌رسند (کینگ، سریواستاو و ویلیامز، ۲۰۱۶؛ پاسکال، مرسلند و موری، ۲۰۱۷). با این حال، مطالعات دیگر نشان داده‌اند که سودآوری با اعتبار مدیرعامل ارتباط منفی دارد (دتا و گاتری، ۱۹۹۴) و برخی دیگر دریافته‌اند هیچ ارتباطی بین سودآوری و اعتبار مدیرعامل وجود ندارد (سیرا، ترس و فریرا، ۲۰۱۶). به همین ترتیب، بانک‌هایی که مدیرعامل آن‌ها دارای دوره تصدی طولانی هستند، احتمالاً عملکرد و بازدهی مثبتی از خود نشان می‌دهند (تینگ، چوئه و چانگ، ۲۰۱۷). این پدیده ممکن است به این دلیل اتفاق بیفتد که مدیرعاملانی با دوره تصدی طولانی، تجربه بیشتری در گسترش منابع درآمد و کاهش هزینه‌ها دارند. ترکیب هیئت مدیره مستقل‌تر می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری بیشتر از طریق جریان اطلاعات بهتر شود (موچمو، پادیا و کلاهان، ۲۰۱۶).

با این حال، نتایج پژوهش فاینگلد، بنسون و هکت (۲۰۰۷) نشان دهنده این است که مدیران مستقل نمی‌توانند به راحتی مشکلات نمایندگی را کاهش دهند یا تعارض منافع را کاهش دهند. آکسله‌ایم و راندوی (۲۰۰۳) دریافته‌اند که استقلال هیئت مدیره با افزایش ارزش در شرکت ارتباط دارد. لیانگ، سو و جیراپورن (۲۰۱۳) پیشنهاد کردند که استقلال هیئت مدیره ممکن است فناوری جدید و تکنیک‌های مدرن مدیریتی را برای بهبود حاکمیت شرکتی به ارمغان بیاورند. با این حال، ماسولیس، وانگ و سی (۲۰۱۲) ادعان دارند شرکت‌هایی که دارای هیئت مدیره مستقل هستند عملکرد ضعیف‌تری از خود نشان می‌دهند. سرانجام، برگر، حسن و ژو (۲۰۰۹) نشان داد که درصد مدیران مستقل پایین‌تر (هیئت مدیره مستقل) موجب افزایش کارایی بانک و بهبود نظارت بر مدیریت بانک می‌شود.

یافته‌های مطالعات قبلی نشان می‌دهد که نسبت مدیران مستقل (استقلال اعضای هیئت مدیره) ممکن است بر عملکرد تأثیر مثبت یا منفی بگذارد. فرض بر این است که نسبت مدیران مستقل (استقلال اعضای هیئت مدیره) نماینده قدرت بالای هیئت مدیره هستند (فانگ، لی، چانگ، لی و وانگ، ۲۰۲۰). با این حال پیامدهای قدرت هیئت مدیره میهم است. یک هیئت مدیره قوی‌تر ممکن است بتواند مدیرعامل را بهتر کنترل کند؛ اما در عین حال ممکن است ارتباط و هماهنگی را پیچیده کند (آدامز و فریرا، ۲۰۰۷؛ هرمالین و وایزباخ، ۱۹۹۸؛ وارتر، ۱۹۹۸؛ آلمان و سوارز، ۲۰۰۳). در این پژوهش متغیر مستقل قدرت مدیرعامل است. قدرت مدیرعامل به پیروی از پژوهش آلتونبس، تورنتون و اویماز (۲۰۱۹) محاسبه شده است، در مطالعه

آلتونیس، تورنتون و اویماز (۲۰۱۹) و فینکلشتاین (۱۹۹۲) دوره تصدی مدیر عامل تعداد سال‌هایی است که مدیرعامل در سمت خود خدمت کرده است. یک متغیر ساختگی برای تحصیلات است که اگر مدیرعامل دارای مدرک کارشناسی ارشد (یا مدرک کارشناسی MBA) یا بیشتر باشد مقدار آن یک مقدار است و در غیر این صورت صفر است (فینکلشتاین، ۱۹۹۲).

متغیر وابسته

ریسک بانکی

متغیر وابسته در این پژوهش ریسک بانکی می‌باشد که به پیروی از پژوهش علیرضایی، محقق‌نیا و دهقان دهنوی (۱۳۹۷) ریسک با استفاده از انحراف معیار بازده دارایی‌ها اندازه‌گیری شده است.

متغیر تعدیلی

قدرت هیئت مدیره

متغیر تعدیلی در این پژوهش قدرت هیئت مدیره می‌باشد که بر اساس ادبیات و مبانی نظری پژوهش با استفاده از استقلال هیئت مدیره اندازه‌گیری شده است. در این پژوهش جهت سنجش استقلال هیئت مدیره از درصد مدیران مستقل (غیرموظف) در هیئت مدیره در سال جاری بهره گرفته شده است.

متغیرهای کنترلی

به منظور کنترل متغیرهای تأثیرگذار بر ریسک بانکی بر اساس مبانی نظری مطرح شده و مرور متون، متغیرهای کنترلی به شرح زیر تعیین شده است:

اندازه بانک (Size):

اندازه بانک به عنوان لگاریتم دارایی‌های بانک تعریف شده است (علیرضایی، محقق‌نیا و دهقان دهنوی، ۱۳۹۷؛ فانگ، لی، چانگ، لی و وانگ، ۲۰۲۰).

سودآوری (Profitability):

سودآوری از تقسیم نسبت درآمد قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها محاسبه شده است (آلتونیس، تورنتون و اویماز، ۲۰۱۹). نسبت دارایی‌های جاری که از تقسیم دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود (فانگ، لی، چانگ، لی و وانگ، ۲۰۲۰).

متغیرها و مدل پژوهش

در جدول زیر به معرفی متغیرهای پژوهش و خلاصه‌ای از نحوه اندازه‌گیری آن پرداخته شده است.

جدول (۱): معرفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نوع متغیر	نماد	نحوه اندازه‌گیری
ریسک بانکی	وابسته	RISK	عبارت است از انحراف معیار بازده دارایی‌ها.
قدرت هیئت مدیره (استقلال هیئت مدیره)	تعدیلی	Board independence	عبارت است از درصد مدیران مستقل (غیرموظف) در هیئت مدیره.
قدرت مدیرعامل (تحصیلات مدیرعامل)	مستقل	CEO education	اگر مدیرعامل دارای مدرک کارشناسی ارشد (یا مدرک کارشناسی MBA) یا بیشتر باشد مقدار آن یک مقدار است و در غیر این صورت صفر است
قدرت مدیرعامل (دوره تصدی مدیرعامل)	مستقل	CEO Tenure	عبارت است از تعداد سال‌هایی که مدیرعامل در بانک خدمت نموده است.
اندازه بانک	کنترلی	Size	عبارت است از لگاریتم دارایی‌های بانک.
سودآوری	کنترلی	Profitability	عبارت است از تقسیم درآمد قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها.
نسبت دارایی‌های جاری	کنترلی	CAR	عبارت است از دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل فرضیه اول پژوهش از الگوهای رگرسیون زیر استفاده شده است:

فرضیه اول: تحصیلات مدیرعامل بر ریسک بانکی تأثیر معناداری دارد.

(۱)

$$RISK_{it} = \alpha + \beta_1 CEOeducation_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Profitability_{i,t} + \beta_4 CAR_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه دوم: دوره تصدی مدیرعامل بر ریسک بانکی تأثیر معناداری دارد.

(۲)

$$RISK_{it} = \alpha + \beta_1 CEOTenure_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Profitability_{i,t} + \beta_4 CAR_{i,t} + \beta \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه سوم: استقلال هیئت مدیره نقش تعدیلی بر رابطه بین تحصیلات مدیرعامل و ریسک بانکی دارد.

(۳)

$$RISK_{it} = \alpha + \beta_1 CEOeducation_{i,t} + \beta_2 Board\ independence_{i,t} + \beta_3 CEOeducation_{i,t} * Board\ independence_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Profitability_{i,t} + \beta_6 CAR_{i,t} + \beta \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه چهارم: استقلال هیئت مدیره نقش تعدیلی بر رابطه بین دوره تصدی مدیرعامل و ریسک بانکی دارد.

(۴)

$$RISK_{it} = \alpha + \beta_1 CEOTenure_{i,t} + \beta_2 Board\ independence_{i,t} + \beta_3 CEOTenure_{i,t} * Board\ independence_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Profitability_{i,t} + \beta_6 CAR_{i,t} + \beta \varepsilon_{i,t}$$

یافته‌های پژوهش آمار توصیفی

جدول (۲): آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
ریسک بانکی (RISK)	۶/۵۷۴	۶/۰۴۴	۶/۱۱۷	۲۴/۹۵۱	-۵/۹۰۳
دوره تصدی مدیرعامل (CEO Tenure)	۲/۳۵۲	۲	۱/۶۴۹	۷	۱
استقلال هیئت مدیره (Board independence)	-۰/۴۶۱	-۰/۴۲۸	-۰/۳۱۲	۱	۰
اندازه بانک (Size)	۸/۳۸۷	۸/۳۸۴	۹/۷۴۹	۹/۷۴۹	۴۰
سودآوری (Profitability)	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۵	-۰/۰۳۹	-۰/۰۴۷	-۰/۳۱۵
نسبت دارایی‌های جاری (CAR)	-۰/۸۲۰	-۰/۸۴۵	-۰/۰۸۱	-۰/۹۲۳	-۰/۴۴۳
آمار توصیفی متغیر کیفی پژوهش					
تحصیلات مدیرعامل (CEO education)	۰/۷۰۵	۱	مفهومی ندارد	۱	۰

نتایج نشان دهنده این است که بانک‌های مورد بررسی، به طور متوسط کمتر از یک درصد سودآوری داشته‌اند که این موضوع نشان دهنده عدم سودآور بودن اکثر بانک‌ها است، همچنین به طور متوسط دارای ۱۵ درصد استقلال در اعضای هیئت مدیره هستند و متوسط دوره تصدی مدیرعامل برابر ۲ سال است. افزون بر این، از نزدیک بودن مقدار میانگین و میانه به یکدیگر می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای پژوهش از توزیع مناسبی برخوردار هستند. نتایج نشان دهنده این است که به طور متوسط ۷۰ درصد مدیران عامل بانک‌های مورد بررسی دارای تحصیلات بالاتر از کارشناسی ارشد هستند.

جدول (۳): توزیع فراوانی متغیر تحصیلات مدیرعامل

عنوان	فراوانی	درصد فراوانی
بانک‌هایی که مدیران عامل آن‌ها که دارای مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد (یا مدرک کارشناسی MBA) یا بیشتر هستند.	۸۴	۷۰/۵۹
بانک‌هایی که مدیران عامل آن‌ها که دارای مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد (یا مدرک کارشناسی MBA) نیستند.	۳۵	۲۹/۴۱
جمع	۱۱۹	۱۰۰ درصد

متغیر تحصیلات مدیرعامل در این پژوهش جزء متغیرهای کیفی دسته‌بندی می‌گردد. این گونه متغیرها معمولاً ساختگی، یا تصنعی هستند و استفاده از شاخص‌های انحراف معیار، چولگی و کشیدگی برای توصیف آن‌ها مناسب نیست؛ زیرا استفاده از این شاخص‌ها برای متغیرهای کیفی منطقی نیست. برای توصیف این‌گونه متغیرها می‌بایست از درصد فراوانی استفاده نمود.

درصد فراوانی برای یک متغیر دووجهی بیان می‌کند که چند درصد از داده‌های یک متغیر دارای کد یک و چند درصد دارای کد صفر می‌باشند.

نتایج آزمون فرضیه

جدول (۴) نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیر وابسته ریسک بانکی						
فرضیه دوم			فرضیه اول			
VIF	احتمال	ضریب	VIF	احتمال	ضریب	متغیرهای مستقل
			۱/۱۳	۰/۵۹۴	-۰/۴۶۴۳۵۹۱	CEO education
۱/۰۲	۰/۴۱۰	-۰/۱۹۳۴۲۷				CEO Tenure
۱/۰۶	۰/۰۷۰	-۱/۷۵۴۳۱۴	۱/۰۵	۰/۰۴۰	-۱/۷۳۱۱۷۳	SIZE
۱/۳۳	۰/۰۰۰	۴۳/۱۵۴۲	۱/۳۴	۰/۰۰۰	۴۳/۹۷۷۱۴	Profitability
۱/۳۷	۰/۳۱۲	۴/۳۴۷۵۰۴	۱/۵۱	۰/۳۶۱	۳/۸۸۹۳۳۷	CAR
	۰/۰۴۵	۱۸/۰۱۳۵۴		۰/۰۱۷	۱۸/۲۵۳۷۶	عرض از مبدأ
۲۲/۹۳	آماره والد		۲۲/۵۵	آماره والد		
۰/۰۰۰۱	احتمال والد		۰/۰۰۰۱	احتمال والد		
۰/۴۴۰۶	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۹۱۰	ضریب تعیین تعدیل شده		
۵۵۷/۶۹	آماره والد تعدیل شده		۵۵۲/۷۹	آزمون والد تعدیل شده		
۰/۰۰۰۰	احتمال		۰/۰۰۰۰	احتمال		
۹/۶۰۹	آزمون ولدریج		۹/۶۷۶	آزمون ولدریج		
۰/۰۰۶۹	احتمال		۰/۰۰۶۷	احتمال		
۳۲/۷۷	آزمون چاو		۳۲/۹۰	آزمون چاو		
۰/۰۰۰۰	احتمال		۰/۰۰۰۰	احتمال		
۲۰/۵۸	آزمون هاسمن		۱۰۹/۰۱	آزمون هاسمن		
۰/۰۰۰۴	احتمال		۰/۰۰۰۰	احتمال		

در پژوهش حاضر قبل از انجام تخمین نهایی فرضیه‌های پژوهش، پیش نیازهای رگرسیون کلاسیک، برای بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی به ترتیب از آزمون والد تعدیل شده و ولدریج استفاده شده و نشان دهنده وجود مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در فرضیه‌های پژوهش می‌باشد که هر دو مشکل در تخمین نهایی مدل‌ها با

استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته حل شده است. مقادیر آماره عامل تورم واریانس با توجه به اینکه کمتر از ۱۰ می- باشد بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل با یکدیگر است. نتایج آزمون چاو بیانگر پذیرش الگوی داده‌های تابلویی می‌باشد و آزمون هاسمن بیانگر پذیرش الگوی اثرات ثابت برای هر دو فرضیه است. بر اساس خروجی نرم افزار آماری به شرح جدول (۴) احتمال آماره والد رگرسیون برازش شده برای فرضیه اول و دوم معنادار می‌باشد و ضریب تعیین برای فرضیه اول و دوم به ترتیب ۴۹ و ۴۴ درصد است که نشان دهنده قدرت توضیح دهنده فرضیه مذکور است. همچنان که مشاهده می‌شود نتیجه آزمون ولد ریچ برای هر دو فرضیه در نرم افزار استاتا بیانگر وجود خودهمبستگی می‌باشد، افزون بر این نتیجه آزمون والد تعدیل شده در هر دو فرضیه نشان دهنده وجود مشکل ناهمسانی است. همچنین، مقدار احتمال متغیر مستقل یعنی قدرت مدیرعامل (تحصیلات مدیرعامل و دوره تصدی مدیرعامل) بیانگر عدم معناداری تأثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک بانکی می‌باشد. جدول (۵) نتایج آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیر وابسته ریسک بانکی						
فرضیه چهارم			فرضیه سوم			
VIF	احتمال	ضریب	VIF	احتمال	ضریب	متغیرهای مستقل
			۶/۲۴	۰/۳۴۷	-۱/۲۹۵۸۳۶	CEO education
			۴/۰۴	۰/۷۶۲	۰/۵۳۸۲۰۷۸	Board independence
			۳/۳۲	۰/۴۱۲	۱/۶۴۳۴۰۳	Board *CEO education independence
۳/۸۲	۰/۵۰۴	-۱/۲۵۸۰۵۲۸				CEO Tenure
۲/۸۵	۰/۳۶۶	۱/۸۸۶۳۰۶				Board independence
۵/۶۱	۰/۸۵۱	۰/۱۰۲۱۳۵۱				Board * CEO Tenure independence
۱/۱۸	۰/۱۰۸	-۱/۵۴۸۰۲۶	۱/۱۷	۰/۱۳۷	-۱/۳۲۸۴۸	SIZE
۱/۳۳	۰/۰۰۰	۴۲/۱۵۳۹۶	۱/۳۵	۰/۰۰۰	۴۳/۹۷۷۱۴	Profitability
۱/۳۷	۰/۳۴۰	۴/۰۹۷۱۷	۱/۵۲	۰/۳۹۵	۳/۸۸۹۳۳۷	CAR
	۰/۱۰۰	۱۵/۵۷۳۰۵		۰/۰۸۰	۱۸/۲۵۳۷۶	عرض از مبدأ
۲۷/۳۸	آماره والد		۲۷/۱۹	آماره والد		
۰/۰۰۰۱	احتمال والد		۰/۰۰۰۱	احتمال والد		
۰/۴۴۲۴	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۹۹۲	ضریب تعیین تعدیل شده		
۷۱۵/۱۵	آماره والد تعدیل شده		۴۵۱/۴۵	آزمون والد تعدیل شده		
۰/۰۰۰۰	احتمال		۰/۰۰۰۰	احتمال		

۱۰/۲۱۶	آزمون ولد ریج	۹/۲۹۷	آزمون ولد ریج
۰/۰۰۵۶	احتمال	۰/۰۰۷۷	احتمال
۳۲/۲۲	آزمون چاو	۳۲/۱۰	آزمون چاو
۰/۰۰۰۰	احتمال	۰/۰۰۰۰	احتمال
۱۴/۵۶	آزمون هاسمن	۴۸/۱۷	آزمون هاسمن
۰/۰۲۴۰	احتمال	۰/۰۰۰۰	احتمال

در پژوهش حاضر قبل از انجام تخمین نهایی فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش، پیش نیازهای رگرسیون کلاسیک، برای بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی به ترتیب از آزمون والد تعدیل شده و ولد ریج استفاده شده و نشان دهنده وجود مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در فرضیه‌های پژوهش می‌باشد که هر دو مشکل در تخمین نهایی مدل‌ها با استفاده از حداقل مربعات تعمیم یافته حل شده است. مقادیر آماره عامل تورم واریانس با توجه به اینکه کمتر از ۱۰ می‌باشد بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل با یکدیگر است. نتایج آزمون چاو بیانگر پذیرش الگوی داده‌های تابلویی می‌باشد و آزمون هاسمن بیانگر پذیرش الگوی اثرات ثابت برای تمامی فرضیه‌ها است.

بر اساس جدول (۵) مقدار احتمال آماره والد برای فرضیه سوم و چهارم معنادار است و مقدار ضریب تعیین تعدیل شده به ترتیب در فرضیه‌های سوم و چهارم برابر با ۰/۴۹۹۲ و ۰/۴۴۲۴ است، در نتیجه میزان پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تقریباً ۴۹ و ۴۴ درصد است. با توجه به اینکه مقدار آزمون ولد ریج و والد تعدیل شده در هر دو فرضیه کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت در فرضیه سوم و چهارم مشکل خودهمبستگی و ناهمسانی جزء اخلال وجود دارد. نتیجه فرضیه سوم نشان می‌دهد استقلال هیئت مدیره نقش تعدیلی بر رابطه بین تحصیلات مدیرعامل و ریسک بانکی ندارد؛ می‌توان این گونه استنباط کرد که اثر تعاملی قدرت هیئت مدیره (استقلال هیئت مدیره) * تحصیلات مدیرعامل نشان دهنده این است که استقلال هیئت مدیره به عنوان نماینده قدرت هیئت مدیره بر رابطه بین قدرت مدیرعامل (تحصیلات مدیرعامل) و ریسک بانکی تأثیری ندارد؛ به عبارت دیگر در صورت وجود استقلال هیئت مدیره رابطه بین قدرت مدیرعامل و ریسک بانکی تشدید یا تضعیف نمی‌گردد. همچنین نتیجه فرضیه چهارم نشان دهنده این است استقلال هیئت مدیره نقش تعدیلی بر رابطه بین دوره تصدی مدیرعامل و ریسک بانکی ندارد. از این نتیجه می‌توان این گونه استنباط کردی که قدرت هیئت مدیره هیچ نقشی بر دوره تصدی مدیرعامل ندارد تا بتواند بر ریسک بانکی تأثیرگذار باشد. بدین جهت، می‌توان گفت قدرت هیئت توانایی تضعیف و یا تشدید رابطه بین تحصیلات مدیرعامل و ریسک بانکی را ندارد و قادر به تعدیل رابطه مذکور نبوده است.

نتیجه‌گیری و مقایسه نتایج

در پژوهش حاضر ۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از یک نمونه‌ی ۷ ساله طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفت. هدف این پژوهش بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک بانکی با تأکید بر نقش تعدیلی قدرت هیئت مدیره بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای این مهم قدرت مدیرعامل شرکت توسط دوره تصدی مدیرعامل و تحصیلات مدیرعامل محاسبه شده است. همچنین برای سنجش ریسک بانکی از مدل استفاده شده

توسط علیرضایی، محقق نیا و دهقان دهنوی (۱۳۹۷) بهره گرفته شده است. نتایج جدول (۴) نشان داد که قدرت مدیرعامل (تحصیلات مدیرعامل و دوره تصدی مدیرعامل) تأثیری بر ریسک بانکی ندارد. همچنین، نتایج جدول (۵) نشان دهنده این است استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین قدرت مدیرعامل (تحصیلات مدیرعامل و دوره تصدی مدیرعامل) و ریسک بانکی نقش تعدیلی ندارد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت زمانی که اعضای هیئت مدیره در بانک‌ها دارای استقلال هستند تأثیری بر کاهش ریسک بانکی ندارند. از اهمیت یافته‌های پژوهش، عدم توانایی تأثیرگذاری قدرت مدیرعامل (تحصیلات مدیرعامل و دوره تصدی مدیرعامل) بر ریسک بانکی است. با توجه به وقوع بحران بحران‌های بانکی دهه‌های اخیر ضرورت بررسی ریسک بانک‌ها بیش از پیش احساس شده و همین موضوع در کشورهای در حال توسعه موجب شده که بانک‌ها با انواع ریسک‌ها مواجه باشند. این موضوع، از نظر سیاست‌های کلان و سرمایه‌گذاری یکی از سیاست‌های کلان اقتصادی قلمداد می‌گردد و از اهمیت بسیار برخوردار است؛ بنابراین، به پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد برای بررسی عوامل تأثیرگذار بر ریسک بانک‌ها از دیگر مدل‌های موجود به صورت همزمان استفاده نمایند تا تفاوت در مدل‌های مورد استفاده راهگشایی برای پژوهشگران آتی باشد. یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعه آلتونبس، تورنتون و اویماز (۲۰۱۹)، پاتان (۲۰۰۹)، ویکتوراویچ، بوسلپ، سو و گراو (۲۰۱۱)، لولین و مولرکال (۲۰۱۲)، هوانگ، نگوین و لو (۲۰۱۸) همسو نیست.

پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش

از دلایل احتمالی رد شدن فرضیه‌های پژوهش را می‌توان در متفاوت بودن مدل مورد استفاده برای سنجش قدرت مدیر عامل و قدرت هیئت مدیره دانست. احتمالاً دلیل دیگری که موجب عدم تأیید فرضیه‌های پژوهش شده است متفاوت بودن مدل‌های مورد استفاده برای محاسبه ریسک بانکی است. شاید استفاده از دیگر روش‌ها برای ریسک بانکی، نتایج متفاوتی حاصل نماید. به همین جهت پیشنهاد می‌گردد محققان در پژوهش‌های آتی از دیگر روش‌های موجود برای سنجش ریسک بانکی و قدرت مدیرعامل و قدرت هیئت مدیره بهره گیرند تا قابلیت مقایسه نتایج فراهم آید. شاید بتوان از دیگر دلایل موجود برای رد شدن فرضیه‌های پژوهش را ضعیف بودن حاکمیت شرکتی در بانک‌ها دانست؛ بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر در راستای گشودن درهای پژوهش‌های آتی و راستای توسعه دانش علمی در مورد عوامل تأثیرگذار بر ریسک بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌تواند کمک شایانی نماید.

منابع

- ✓ احمدیان، اعظم، گرجی، مهسا، (۱۳۹۶)، تبیین مدل ورشکستگی جهت شناسایی رانک‌های سالم و در معرض خطر، مجله مدیریت دارایی و تامین مالی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱-۱۸.
- ✓ اخگر، محمدمامد، زاهدوست، حمزه، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر نفوذ مدیر عامل بر رابطه بین عملکرد شرکت و گردش مدیر عامل. حسابداری مالی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۶۰-۸۱.
- ✓ اسدی، غلامحسین، بختیاریان، طیبه، (۱۳۹۸)، بررسی تعامل راهبردی در ریسک نقدینگی در بانک‌های ایران، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، دوره ۱۲، شماره ۴۰، صص ۱۶۷-۱۹۶.

- ✓ آقای چادگانی، آرزو، بخردی نسب، وحید، (۱۳۹۷)، تاثیر درآمد غیربهره‌ای بر ریسک و سودآوری (مورد مطالعه: بررسی تطبیقی بانک‌های سالم مالی و بانک‌ها در معرض خطر)، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، دوره ۴، شماره ۹، صص ۱۰۳-۱۴۰.
- ✓ براتی، سعید، لرستانی، علیرضا، (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مدیریت ریسک در بانک‌ها، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت اقتصاد و حسابداری، ۱۹ تیر ماه، برلین-آلمان، صص ۱-۱۰.
- ✓ برادران حسن‌زاده، رسول، صولتی خسروشاهی، ابراهیم، (۱۳۹۸)، تاثیر سپر سرمایه بر ارتباط بین ریسک نقدینگی و ریسک پذیری بازار و دفتری بانک‌ها، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، دوره ۱۲، شماره ۴۰، صص ۱۹۷-۲۲۲.
- ✓ پاکیزه، کامران، نوبخت، وحید، (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر تمرکز مالکیت بر ریسک‌پذیری بانک‌های تجاری خصوصی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، دوره ۹، شماره ۲۷، صص ۱۰۹-۱۳۰.
- ✓ توانگر حمزه کلایی، افسانه، اسکافی اصل، مهدی، (۱۳۹۷)، ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۱۸۷-۲۰۷.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۵)، حاکمیت شرکتی در ایران، فصلنامه حسابرس، شماره ۳۲.
- ✓ دریائی، عباسعلی، سیفی، سالار، (۱۳۹۸)، پاداش هیات مدیره و ریسک‌پذیری نقش تعدیلگر دوگانگی مدیرعامل (مورد کاوی صنعت بانکداری)، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، دوره ۱۲، شماره ۳۹، صص ۴۹-۷۴.
- ✓ رنجی، فریبرز، قلی‌زاده، محمدحسن، رمضانپور، اسماعیل، موسی‌نیا، سید مرتضی، (۱۳۹۶)، تحلیل تاثیر ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بر ریسک درماندگی بانک‌های ایران، فصلنامه روند، دوره ۲۴، شماره ۷۸، صص ۴۷-۷۴.
- ✓ علیرضایی، مجید، محقق‌نیا، محمدجواد، دهقان دهنوی، محمدعلی، (۱۳۹۷)، تاثیر سهم درآمدهای غیرمشاع بر ریسک بانک‌های ایران، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، دوره ۴، شماره ۸، صص ۱-۲۵.
- ✓ Adams, R. B., & Ferreira, D. (2007). A theory of friendly boards. *The journal of finance*, 62(1), 217-250.
- ✓ Adams, R. B., Almeida, H., & Ferreira, D. (2005). Powerful CEOs and their impact on corporate performance. *The Review of Financial Studies*, 18(4), 1403-1432.
- ✓ Akhigbe, A., & Martin, A. D. (2006). Valuation impact of Sarbanes-Oxley: Evidence from disclosure and governance within the financial services industry. *Journal of Banking & Finance*, 30(3), 989-1006.
- ✓ Al Mamun, M., Balachandran, B., & Duong, H. N. (2020). Powerful CEOs and stock price crash risk. *Journal of Corporate Finance*, 62, 101582.
- ✓ Ali, A., & Zhang, W. (2015). CEO tenure and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 59(1), 60-79.
- ✓ Almazan, A., & Suarez, J. (2003). Entrenchment and severance pay in optimal governance structures. *The Journal of Finance*, 58(2), 519-547.
- ✓ Altunbas, Y., Manganelli, S., & Marques-Ibanez, D. (2017). Realized bank risk during the great recession. *Journal of Financial Intermediation*, 32, 29-44.
- ✓ Altunbaş, Y., Thornton, J., & Uymaz, Y. (2018). CEO tenure and corporate misconduct: Evidence from US banks. *Finance Research Letters*, 26, 1-8.
- ✓ Altunbaş, Y., Thornton, J., & Uymaz, Y. (2019). The effect of CEO power on bank risk: Do boards and institutional investors matter?. *Finance Research Letters*.

- ✓ Baral, K. J. (2005). Health check-up of commercial banks in the framework of CAMEL: A case study of joint venture banks in Nepal. *Journal of Nepalese Business Studies*, 2(1), 41-55.
- ✓ Beltratti, A., & Stulz, R. M. (2012). The credit crisis around the globe: Why did some banks perform better?. *Journal of financial economics*, 105(1), 1-17.
- ✓ Berger, A. N., Hasan, I., & Zhou, M. (2009). Bank ownership and efficiency in China: What will happen in the world's largest nation?. *Journal of Banking & Finance*, 33(1), 113-130.
- ✓ Brunnermeier, M. K. (2009). Deciphering the liquidity and credit crunch 2007-2008. *Journal of Economic perspectives*, 23(1), 77-100.
- ✓ Callen, J. L., & Fang, X. (2013). Institutional investor stability and crash risk: Monitoring versus short-termism?. *Journal of Banking & Finance*, 37(8), 3047-3063.
- ✓ Combs, J. G., Ketchen Jr, D. J., Perryman, A. A., & Donahue, M. S. (2007). The moderating effect of CEO power on the board composition–firm performance relationship. *Journal of Management Studies*, 44(8), 1299-1323.
- ✓ Datta, D. K., & Guthrie, J. P. (1994). Executive succession: Organizational antecedents of CEO characteristics. *Strategic Management Journal*, 15(7), 569-577.
- ✓ Dell'Ariccia, G., Laeven, L., & Suarez, G. A. (2017). Bank leverage and monetary policy's risk-taking channel: evidence from the United States. *the Journal of Finance*, 72(2), 613-654.
- ✓ DeYoung, R. (2010). *Executive compensation and business policy choices at US commercial banks (Vol. 2)*. DIANE Publishing.
- ✓ Dunn, P. (2004). The impact of insider power on fraudulent financial reporting. *Journal of management*, 30(3), 397-412.
- ✓ Eisenhardt, K. M., & Bourgeois III, L. J. (1988). Politics of strategic decision making in high-velocity environments: Toward a midrange theory. *Academy of management journal*, 31(4), 737-770.
- ✓ Erkens, D. H., Hung, M., & Matos, P. (2012). Corporate governance in the 2007–2008 financial crisis: Evidence from financial institutions worldwide. *Journal of corporate finance*, 18(2), 389-411.
- ✓ Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The journal of law and Economics*, 26(2), 301-325.
- ✓ Fang, H., Lee, J. S., Chung, C. P., Lee, Y. H., & Wang, W. H. (2020). Effect of CEO power and board strength on bank performance in China. *Journal of Asian Economics*, 69, 101215.
- ✓ Finegold, D., Benson, G. S., & Hecht, D. (2007). Corporate boards and company performance: Review of research in light of recent reforms. *Corporate Governance: an international review*, 15(5), 865-878.
- ✓ Finkelstein, S. (1992). Power in top management teams: Dimensions, measurement, and validation. *Academy of Management journal*, 35(3), 505-538.
- ✓ Hagedorff, J., Collins, M., & Keasey, K. (2010). Board monitoring, regulation, and performance in the banking industry: Evidence from the market for corporate control. *Corporate Governance: An International Review*, 18(5), 381-395.
- ✓ Han, S., Nanda, V. K., & Silveri, S. (2016). CEO power and firm performance under pressure. *Financial Management*, 45(2), 369-400.
- ✓ Hermalin, B. E., & Weisbach, M. S. (1998). Endogenously chosen boards of directors and their monitoring of the CEO. *American Economic Review*, 96-118.
- ✓ Hoang, L. T., Nguyen, C., & Le, V. (2018). Bank Risk Behavior and Board Composition: Evidence from Vietnam. Available at SSRN 3147073.

- ✓ Hugonnier, J., & Morellec, E. (2017). Bank capital, liquid reserves, and insolvency risk. *Journal of Financial Economics*, 125(2), 266-285.
- ✓ Huson, M. R., Malatesta, P. H., & Parrino, R. (2004). Managerial succession and firm performance. *Journal of Financial Economics*, 74(2), 237-275.
- ✓ Kanter, R. M. (1982). The middle manager as innovator. *Harvard business review*, 60(4), 95-105.
- ✓ King, T., Srivastav, A., & Williams, J. (2016). What's in an education? Implications of CEO education for bank performance. *Journal of Corporate Finance*, 37, 287-308.
- ✓ Lewellyn, K. B., & Muller-Kahle, M. I. (2012). CEO power and risk taking: Evidence from the subprime lending industry. *Corporate Governance: An International Review*, 20(3), 289-307.
- ✓ Liang, Q., Xu, P., & Jiraporn, P. (2013). Board characteristics and Chinese bank performance. *Journal of Banking & Finance*, 37(8), 2953-2968.
- ✓ Lisic, L. L., Neal, T. L., Zhang, I. X., & Zhang, Y. (2016). CEO power, internal control quality, and audit committee effectiveness in substance versus in form. *Contemporary Accounting Research*, 33(3), 1199-1237.
- ✓ Magnusson, M., & Enarsson, J. (2017). The relationship between firm performance and CEO turnover with CEO entrenchment as a moderator: An empirical study on the Swedish market.
- ✓ Maji, S. G., Dey, S. O. M. A., & Jha, A. K. (2011). Insolvency risk of selected Indian commercial banks: A comparative analysis. *International Journal of Research in Commerce, Economics and Management*, 1(5), 120-124.
- ✓ Malmendier, U., & Tate, G. (2008). Who makes acquisitions? CEO overconfidence and the market's reaction. *Journal of financial Economics*, 89(1), 20-43.
- ✓ Masulis, R. W., Wang, C., & Xie, F. (2012). Globalizing the boardroom—The effects of foreign directors on corporate governance and firm performance. *Journal of Accounting and Economics*, 53(3), 527-554.
- ✓ May, D. O. (1995). Do managerial motives influence firm risk reduction strategies?. *The journal of finance*, 50(4), 1291-1308.
- ✓ Morse, A., Nanda, V., & Seru, A. (2011). Are incentive contracts rigged by powerful CEOs?. *The Journal of Finance*, 66(5), 1779-1821.
- ✓ Muchemwa, M. R., Padia, N., & Callaghan, C. W. (2016). Board composition, board size and financial performance of Johannesburg Stock Exchange companies. *South African Journal of Economic and Management Sciences*, 19(4), 497-513.
- ✓ Onali, E., Galiakhmetova, R., Molyneux, P., & Torluccio, G. (2016). CEO power, government monitoring, and bank dividends. *Journal of Financial Intermediation*, 27, 89-117.
- ✓ Oxelheim, L., & Randøy, T. (2003). The impact of foreign board membership on firm value. *Journal of Banking & Finance*, 27(12), 2369-2392.
- ✓ Papadakis, V. M. (2006). Do CEOs shape the process of making strategic decisions? Evidence from Greece. *Management Decision*.
- ✓ Pascal, D., Mersland, R., & Mori, N. (2017). The influence of the CEO's business education on the performance of hybrid organizations: the case of the global microfinance industry. *Small Business Economics*, 49(2), 339-354.
- ✓ Pathan, S. (2009). Strong boards, CEO power and bank risk-taking. *Journal of banking & finance*, 33(7), 1340-1350.
- ✓ Peni, E., Smith, S., & Vähämaa, S. (2013). Bank corporate governance and real estate lending during the financial crisis. *Journal of Real Estate Research*, 35(3), 313-344.

- ✓ Quinn, J. B. (1985). Managing innovation: controlled chaos. *Harvard business review*, 63(3), 73-84.
- ✓ Serra, F. R., Tres, G., & Ferreira, M. P. (2016). The 'CEO' effect on the performance of Brazilian companies: an empirical study using measurable characteristics. *European Management Review*, 13(3), 193-205.
- ✓ Shen, W., & Cannella Jr, A. A. (2002). Revisiting the performance consequences of CEO succession: The impacts of successor type, postsuccession senior executive turnover, and departing CEO tenure. *Academy of management journal*, 45(4), 717-733.
- ✓ Srivastav, A., & Hagedorff, J. (2016). Corporate governance and bank risk-taking. *Corporate Governance: An International Review*, 24(3), 334-345.
- ✓ Ting, H. I. (2013). CEO turnover and shareholder wealth: Evidence from CEO power in Taiwan. *Journal of Business Research*, 66(12), 2466-2472.
- ✓ Ting, H. I., Chueh, H., & Chang, P. R. (2017). CEO power and its effect on performance and governance: Evidence from Chinese banks. *Emerging Markets Review*, 33, 42-61.
- ✓ Victoravich, L., Buslepp, W. L., Xu, T., & Grove, H. (2011). CEO power, equity incentives, and bank risk taking. Available at SSRN 1909547.
- ✓ Warther, V. A. (1998). Board effectiveness and board dissent: A model of the board's relationship to management and shareholders. *Journal of Corporate Finance*, 4(1), 53-70.